

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فریدون کاوه

۱۰ جون ۲۰۲۵

سوء استفاده تسلیم طلبانه و قوم گرایانه از نام نامی مجید

از چندین سال بدینسو تعدادی از افراد رجاله پرمدها چه در حاشیه و یا هم در متن رژیم های مزدور ساخته اشغالگران [فعلاً تعدادی خفته در آغوش امپریالیسم] خود را وصله نموده اند تا در پرتو قوانین نافذه استعماری به اشغالگران سرزمین آبائی و قاتلان مردم ستمدیده ما خدمت کرده و در ازای آن جائی در حاشیه خوان استعماری برای پسمانده خواری یافته و بدان وسیله به حیات سیاسی نکبتبار و پرازیستی شان ادامه دهند.

این قماش که در زمان اشغال افغانستان توسط سوسیال امپریالیسم روس در شبکه های جاسوسی اجرای وظیفه می نمودند، در بسا از بمباردمان های قراء و قصبات کشور از طریق هوا و زمین با مشاوران روس و آدمکشان "خلقى و پرچمی" شریک جرم و جنایت بودند.

این جواسیس در همان اوضاع و شرایط موقعیت خود را ارزیابی نموده برای به کجراه کشانیدن هواداران و سمپات های جنبش رهانبخش ملی خود را اندیوال یا وطندار مجید وانمود می نمودند تا در مورد زنده یاد مجید و رفقای متهور وی اطلاعاتی کسب کنند.

در آستانه سقوط محتوم رژیم به جای مانده از تجاوز روس اشغالگر، این عده صاحب پوسته، کندک و قرارگاه گردیده و هم امکانات مالی به دست می آورند و همزمان با این زمینه های رابطه گیری با شورای نظار و سائر تنظیم ها را برقرار می نمودند و گزارشات سامائی ها و دیگر فعالان جنبش انقلابی را هم به روس ها و هم به دهاره دزدان تنظیمی ارائه می نمودند.

هدف این قماش افراد از این تلاش ها، کسب امکانات، زدن حریف و رسیدن به جاه و مقام و دریاف جیفه ای از ته مانده های خوان استعمار – ارتجاع بود.

متجاوزان و استیلاءگران استعمارگر و امپریالیست های اشغالگر بار بار به سرزمین ما هجوم آوردند، شکست خوردند و در وضعیت اسفباری سرزمین ما را ترک گفتند. همچنان رژیم های ستمگر مزدور استعمارگران به سرنوشت اربابان شان دچار شده و به دنبال ایجادگران خود رفته اند، اما تسلیم طلبانی که تبر دشمن را دسته شده اند، به سزای اعمال میهن فروشانه و انقیاد طلبانه شان نرسیده و به جای آن فرهنگ معافیت خیانتکاران به مادر وطن، جنایت در حق مردم و خدمت به اشغالگران در پناه حمایت اشغالگران جدید، رونق یافت.

تسلیم شده‌ها با آمدن اشغالگران امریکائی و متحدان شان هار تر شده و از بابت اعمال جاسوسی خویش به خود بالیده و خود را کاندید به اصطلاح پست پارلمانی می‌نمایند، نشریه به چاپ می‌رسانند و صاحب دفتر و دیوانی می‌شوند. این فرومایگان در موقعیت جدید پیش آمده، چند تن افراد دلک‌را به دور خود جمع می‌نمایند و ضمن ابراز انزجار از کار های "مرغانچه‌ئی"، کمیته های دفاع از "معلولین و شهداء" می‌سازند و عکس های شهداء را به در و دیوار نصب می‌نمایند و می‌گویند که چنین جرأتی را در طول تاریخ کسی نکرده است. از این فعالیت های کاسبکارانه و تجارت بر سر نام و اعتبار جانباختگان انقلابی سامانی و غیرسامانی فلم برداری نموده و در ازای این کار و اجرانیات خویش از منابع مغرض استخباراتی و غیراستخباراتی بیرونی پول و اجرت دریافت نموده و با این کار شان، بر پاکبختگان خوشنام و وارسته و بستگان آنان منت نیز می‌گذارند.

زمان می‌گذرد و تسلیم شده‌ها بر وفق اقتضای زمانه و رونق بازار، لباس محلی گرائی، قوم پرستی و منطقه بازی به تن می‌کنند. این ریاکاران عکس های مجید بزرگ و سائر یاران وی را از طریق فیسبوک در ردیف عکس های جنایتکاران اخوانی و مهره های شناخته شده و مرموز استعمارگران دیروزی و امروزی و منحرفانی همچون حبیب الله کلکانی، مسعود، عبدالرحمان سیدخیلی، داوود داوود، بدخشی، عطاء نور مافیا و غیره تاجیک تباران قرار داده و بدین ترتیب زنده یاد مجید را تا سطح جلادان اخوانی دیروزی، دزدان و شاکیان ستم و قوم پرستان تفرقه افکن تاجیک بازان امروزی پائین آورده و از وی در ردیف آن دغلبازان تاریخ به گونه محلی گرایانه دفاع می‌نمایند. چیزی را که مجید بزرگ هرگز نمی‌پذیرفت و از آن نفرت داشت، به وی نسبت داده و او را بدان متهم می‌نمایند و شخصیت وی را بدان می‌آلایند.

قماش های مختلف تسلیم طلب سوء استفاده کننده از نام و اعتبار مبارزاتی مجید و سائر سرفرازان نامدار انقلابی کشور در داخل و خارج، نه از روی بی‌شعوری، بلکه به طور عمدی و دقیقاً تبهکارانه این سودجویی را انجام داده اند. آن ها تفاوت میان تفکر و عمل مجید و پیروان مکتب اخوانیت و سائر "ستمزده" های منحرف را می‌دانند که از زمین تا به آسمان فاصله دارد. مگر همین احمد شاه مسعود نبود که بیشتر از ۱۲۰ تن از افراد منسوب به سازمان مجید را در چاه کوه آهو در پنجشیر سلاخی نمود؟ مگر همین مسعود نبود که جبهات سامانی ها را در پنجشیر، اندراب، پروان، کاپیسا، کوهدامن، کوه صافی، شولگره مزار و نهرین بغلان و... با همدستی اشغالگران روسی و دستگاه جهمی خاد مورد یورش از طریق زمین و هوا قرار دادند؟ مگر به دستور مسعود جلاد نبود که سرمعلم عبدالحی جمعیتی در نهرین انجنیر سرور را به همراه ۲۱ تن از رزمندگان سیاسی و توده ئی ساما پس از وثیقه قرآن، نامردانه در محاصره گرفته و تیرباران کرد؟

آیا همین مسعود نبود که با همدستی و زمینه سازی تسلیم شده های خیانت پیشه تشنه ثروت نمادی، ۳۲ تن از کادر های ورزیده و رزمندگان ساما را در سانحه هوایی سقوط طیاره بر فراز تنگی تاشقرغان با همه مسافران و خدمه طیاره (جمعاً ۱۵۰ نفر) با انفجار بمب جابه جا شده، در هوا منفجر کرد؟

حال چگونه تسلیمی ها با اغواءگری و فریب دادن مردم، تصاویر زنده یاد مجید را با تصاویر مسعود قاتل سامانی ها و سائر رهنان در یک ردیف قرار می‌دهند؟ آیا این ها از تباین جهان نگری و گستره فکری جاودان نام مجید با پیروان اخوانی و اسلامگرای مکتب سید قطب که مثل خود این بوقلمون های تسلیم شده به استعمار و ارتجاع، فرصت طلبانه به اقتضای زمان رنگ می‌گیرند و رنگ می‌بازند، اطلاعی دارند؟

مجید آن عاشق رهائی ملی و اجتماعی زحمتکشان کجا و آن جلادان، گمراهان و دزدان خادم درگاه استعمار کجا! مجید و همزمانش به عنوان شخصیت های فراقومی و فرامحلی اندیشه و سودای رهائی انسان های مظلوم و ستمکش

کشور شان از هر قوم و ملیتی را از بند استعمار و ارتجاع در سر می پروریدند و خواهان استقلال ملی، ترقی و پیشرفت اجتماعی، برابری و رفع تبعیض و ستم در کشور شان بوده و همگام با تلاش ها برای رهایی تاریخی ستمکشان و خلق های تحت ستم جهان می رزمیدند. مجید بزرگ و سائر انقلابیون کشور ما انسان های جامعه ما را نه از نگاه رنگ پوست، قیافه، تعلق قومی - زبانی، سمتی و مذهبی؛ بلکه از لحاظ موقعیت اجتماعی شان در نظام تولیدی و مالکیت رده بندی نموده و در طبقات حاکم و محکوم، استثمارگر و استثمارشونده و ستمگر و ستمکش متعلق می دانستند. مجید و یاران جانباخته اش در طول زندگی درخشان مبارزاتی خویش دروازه هیچ استعمارگری را دق الباب نموده و دست نگری و تکی را ننگ و عار می دانستند.

مسعود جلاّد و اوباش جمع شده در دار و دستۀ اخوانی اش با تحجر و رجعت گرایی الفت دیرینه داشته، در وطن فروشی ید طولاً داشته و دشمن داعیۀ روشنفکری، ترقی و روشنفکران بودند و در قتل عام روشنفکران مترقی، ملی گرا و انقلابی دست کمی از جلاّدان "خلق و پرچم" نداشتند. مسعود جلاّد و مفتن با تمام قدرت های متجاوز و مغرض استعماری و ارتجاعی در سرکوب خلق و تاراج داشته های ملی مردم فقیر و درین کشور ما همکاری و همیاری داشت. قرار دادن مجید بزرگ در قطار حبیب الله کلکانی، مسعود و سائر رهنان تاریخ توسط تسلیمی ها در نمایش های فیسبکی، جفای بزرگی در حق زنده یاد مجید، جانبازان انقلابی و راهیان استوار راه آن شخصیت انقلابی می باشد. جعلکاران تسلیم شده به استعمار و سوء استفاده کنندگان از نام آوری و اعتبار مبارزاتی مجید و مجیدگونه ها با هر نیت و انگیزۀ غیرمبارزاتی و ناشریفانه شان، چه امروز و چه فردا مورد محاسبۀ نیرو های انقلابی و تاریخ قرار خواهند گرفت.

مجید و یاران صدیق و استوار وی هیچ گاهی در متن و یا هم در حاشیۀ رژیم های وابسته و مزدور قرار نداشتند؛ و مداحی آن ها را خیانت به توده های تحت ستم می دانستند. آنان از لحاظ فکری - سیاسی در تقابل با افکار و اندیشه های ارتجاعی و محافظه کار توجیه گر سلطۀ سیاسی و اقتصادی نیرو های سیاسی و طبقاتی حاکم بوده اند. مجید و یاران صادق وی با تکیه بر آگاهی و خرد پویا به جنگ استعمار - ارتجاع و اندیشه های ارتجاعی رفته و علیه آن رزمیده اند. تسلیم طلبان از لحاظ شخصیتی افرادی اند ناکام، هرزه، مردم فریب و استفاده جو و عقده ئی. اینان به منظور بهره جوئی از هر موقعیتی فرصت طلبانه دست به محلی گرایی و منطقه پرستی زده و از نام منطقه، سمت و قوم استفاده ابزاری می کنند. این سوء استفاده کنندگان از نام و نام آوری مجید، علاوه از دودین در ققای اشغالگران کشور، در عین حال خود را مجاز می شمردند تا دروازه هر قدرتمند و زورگوی محلی چون امان الله گنر، داوود کلکانی گلبدینی و هر ستمگر و خائن دیگری را... دق الباب نموده و کاسۀ گدائی دست داشته شان را پیش کنند.

این عده افراد بدنام و ابن الوقت هیچ نوع تمایل و علاقه ای به مجید و ساما نداشته، به دستور شبکه های جاسوسی، از دیر زمانی مصروف شناسائی فعالان منسوب به ساما و سائر سازمان های انقلابی بوده و می خواهند با طرح و تعمیم توطئه های رنگارنگ خویش آن ها را فرسوده و مصروف ساخته و تاریخ یک مبارزه را به همراه شخصیت های خوشنام و بلند آوازه اش به لجن بکشند.

در این شبانه روز که مردم غیور افغانستان به تحریم ثبت نام برای اشتراک در مضحکۀ انتخابات پارلمانی رژیم مزدور استعمار پرداخته و آن را تحریم کردند، برخی از این دلقکان تسلیم طلب و فرومایه خود را کاندید غلامی و مزدوری امریکای اشغالگر و متحدان آن نموده و برای آمادگی به پایدی به استعمار و اطاعت برده وار از اوامر بادران اشغالگر شان، تذکره جمع آوری می کنند.

سرزمین ما از مدت ها بدین طرف تحت سیطره اشغالگران امپریالیستی چندی، در رأس امریکای جنایتکار قرار داشته و هر روزه مردم ما را توسط طیارات بمب افکن در روستا ها و با انفجار و انتحار مزدوران در شهر ها از بین می برند. اشغالگران، این قاتلان مردم اسیر ما در عین کشتار مظلومان کشور ما با بمب و راکت و انتحار و انفجار، برای شکستادن روحیه مقاومت جویانه مردم سلحشور این سرزمین، از سلاح کشنده فقر و بیکاری و ناامنی نیز استفاده می برند تا مردم را یا به انقیاد و تسلیم در برابر اراده زورگوی و جابر استعماری و یا به ترک کشور و مهاجرت اجباری وادار سازند.

مردم افغانستان در طول تاریخ شورانگیز خویش همیشه در مقابل اجنبی متجاوز و اجنبی پرستان قرار گرفته است. این بار نیز ابر های تیره و تار گسترانیده شده توسط اشغالگران و مزدوران بومی شان در فضای کشور چند صباحی بیش نخواهد پائید. سرانجام با وزیدن تند باد های مخالف، اشعه گرمابخش آفتاب جهانتاب از ورای پاره های زایل شونده و گریزان ابرها، بر این دشت و دمن و انسان های کرخت و سرما زده آن خواهد تابید.

زمستان رفتنی است و بهار آمدنی! این استعمارگران و نیرو های کهن تاریخ اند که می آیند و می روند، آن چه در این میان جاودانی و ماندگار است، عبارت است از افغانستان، مردم شجاع، آزادیخواه و ترقیخواه آن و نیرو های بالنده تاریخ. با طرد سیطره جابر استعماری و به زیر کشیدن ارتجاع از اورنگ سلطه گری است که معامله گران، جاعلان، نیرو های تسلیم طلب، انقیاد طلب و دمساز با استعمار و ارتجاع نیز به مانند ولینعمتان شان مفتضح شده و به جایگاه بایسته شان که همانا زیاله دان تاریخ است، خواهند پیوست!

به امید چنین روزی که هرگز دور مباد!

۰۸ جون ۲۰۱۸ / بازنشر